

رسانه‌ای که ایرانی نیست

زینب شکوهی

روزنامه‌نگار

در دنیای امروز، رسانه‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اصلی شکل‌دهی افکار عمومی و انتقال اطلاعات شناخته‌می‌شوند. این رسانه‌های توانمند در ایجاد آگاهی، ترویج فرهنگ و انتقال دانش نقش بسزایی ایفا کنند. اما متأسفانه، برخی از این رسانه‌ها نه تنها به دنبال ارائه حقیقت نیستند، بلکه با اهداف خاصی به شایعه‌پراکنی، تفرقه‌افکنی و جنگ‌افروزی مشغولند. یکی از این رسانه‌ها که به‌وضوح به دنبال ترویج جنگ و تنش در منطقه ماست، شبکه ایران اینترنشنال است. این رسانه، که به‌طور علنی از مواضع صهیونیستی حمایت می‌کند، با استفاده از تکنیک‌های فریبنده و تحریف واقعیت‌ها، سعی در ایجاد نارضایتی و تفرقه در میان مردم ایران دارد. اعترافات مسسئولان این شبکه مبنی بر تأمین مالی آن توسط اسرائیل، نشان‌دهنده وابستگی آن به اهداف دشمنان ملت ایران است. آیا ما باید به چنین رسانه‌ای که به‌وضوح در پی منافع بیگانگان است، گوش دهیم و وقت خود را هدر دهیم؟

ایران اینترنشنال نه تنها به نقد منصفانه و سازنده نمی‌پردازد، بلکه با انتشار اخبار نادرست و تحریف‌شده، به تشدید تنش‌ها و ایجاد ناامنی در کشور کمک می‌کند. این رسانه به جای اینکه به مسائل واقعی و چالش‌های مردم بپردازد، به دنبال دامن زدن به اختلافات و درگیری‌هاست. آیا این رفتارها چیزی جز خیانت به ملت ماست؟

باید تأکید کنیم که اسرائیل، به‌عنوان یک رژیم غاصب، تاریخچه‌ای از کودک‌کشی و نقض حقوق بشر دارد. جنایات وحشتناک رژیم صهیونیستی علیه مردم بی‌دفاع فلسطین، شامل حملات هوایی به مدارس و بیمارستان‌ها و کشتار غیرنظامیان، گواهی بر این واقعیت است: رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال که به ترویج روایت‌های صهیونیستی پرداخته و جنایات اسرائیل را نادیده می‌گیرند، در واقع همدست این جنایات هستند. این رسانه تلاش می‌کند همواره روایتی از یک رویداد را به نحوی ارائه دهد که کمترین مسئولیت متوجه رژیم غاصب

صهیونیستی باشد و در مقابل، همه دولت‌ها و کشورها را مقصر جلوه دهد. ما باید آگاه باشیم که هر خبر یا تحلیلی که از سوی رسانه‌های صهیونیستی منتشر می‌شود، ممکن است دارای انگیزه‌های سیاسی خاصی باشد که هدف آن تخریب وحدت ملی و ایجاد ناامنی در کشور است. در دنیای امروز که اطلاعات می‌تواند تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر زندگی ما داشته باشد، انتخاب منابع خبری معتبر و مستقل اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این رسانه‌ها با استفاده از تکنیک‌های روانشناختی و تحلیل‌های مغرضانه، سعی در القای احساس ناامیدی و یأس در میان مردم دارند. از سسوی دیگر، ما باید یاد داشته باشیم که رسانه‌های مستقل و معتبر، همواره سعی در ارائه تحلیل‌های دقیق و واقع‌گرایانه دارند. این رسانه‌ها با هدف ارتقاء آگاهی عمومی و ترویج گفت‌وگوی سازنده بین اقشار مختلف جامعه فعالیت می‌کنند. بنابراین، ما به‌عنوان شهروندان آگاه و مسئول، وظیفه داریم که در برابر رسانه‌هایی که به دنبال منافع ملی ما نیستند، ایستادگی کنیم.

بالا کردن ایران اینترنشنال و سایر رسانه‌های مشابه، یک اقدام ضروری است. این کار نه تنها نشان‌دهنده نارضایتی ما از رویکردهای جنگ‌افروانه آنهاست، بلکه به معنای حمایت از رسانه‌های مستقل و معتبر است که واقعیت‌ها را بدون تحریف و با صداقت به ما منتقل می‌کنند. با این اقدام، ما به دشمنان خود نشان خواهیم داد که ملت ایران یک‌پارچه و هوشیار است و هیچ‌گونه تلاشی برای ایجاد تفرقه و نفاق را تحمل نخواهد کرد.

ما باید بدانیم که هر کدام از ما می‌توانیم در این زمینه نقش مؤثری ایفا کنیم. با اشتراک‌گذاری اطلاعات درست و معتبر در شبکه‌های اجتماعی و گفت‌وگو درباره واقعیت‌ها با دوستان و خانواده خود، می‌توانیم به افزایش آگاهی عمومی کمک کنیم. همچنین، باید به جوانان آموزش دهیم که چگونه منابع خبری را ارزیابی کنند و قادر باشند بین اخبار واقعی و شایعات تمایز قائل شوند. در دنیای امروز که فضای مجازی نقش بسیار مهمی در انتقال اطلاعات ایفا می‌کند، ما باید هوشیار باشیم. بسیاری از اخبار نادرست که توسط رسانه‌های

بایکوت رسانه‌های متخاصم؛ تدبیر امنیتی در نبرد روایت‌ها

آگاهی و ناامیدی را به‌جای واقع‌گرایی می‌نشانند، رسانه نیست؛ سلاحی است که شلیک می‌کند اما صدایی ندارد. در برابر این هجمه پیچیده، صرف‌فستن مسیر دسترسی کافی نیست؛ تقویت رسانه‌های ملی، بازطراحی زبان روایت ملی و ارتقای سواد رسانه‌ای شناختی سه‌ضلع دفاع در برابر عملیات رسانه‌ای متخاصم محسوب می‌شود. روایت ملی زمانی کارآمد است که نه تقلیدی و منفعل بلکه پیش‌دستانه، انسانی و متکی بر شرافت حرفه‌ای باشد؛ مخاطب امروز، هوش تحلیلی بالاتری دارد و در برابر کلیشه‌ها و شعارهای نخب‌نما یمین شده است. بنابراین رسانه ملی باید با اتکا به کیفیت، زمان‌بندی و عمق محتوامیدان را از انحصار رسانه‌های معاند خارج سازد. سواد رسانه‌ای در شرایط کنونی تنها مهارت شناخت تئیرهای فریبنده‌اتشخیص اخبار جعلی نیست؛ بلکه توان تحلیلی برای فهم روایت پنهان انگیزه‌های خبری و ریشه‌های گفتمانی محتواست. جامعه‌ای که به این سطح از تحلیل نرسد، دیر یا زود به اسارت ادراکی خواهد افتاد. تجربه کشورهایی که قربانی جنگ شناختی شده‌اند، نشان می‌دهد جبهه رسانه‌ای دروازه اصلی برای فروپاشی سیاسی و اجتماعی است وواکسیناسیون افکار عمومی در برابر ویروس روایت‌های مسموم، تنها با ترکیب آگاهی، روایت‌سازی هوشمند و بایکوت هدفمند رسانه‌های متخاصم حاصل می‌شود. صیانث از امنیت روانی جامعه هم‌وزن حراستست از مرزهای جغرافیایی است؛ با این تفاوت که در این میدان بی‌صدا، سلاح‌ها دیده نمی‌شوند اما اثرشان گاه عمیق‌تر و ماندگارتر از هر گلوله‌ای است.

مشت بر صورت غریبه هم‌زبان!

مریم شوندی

خبرنگار

در صحنه‌ای از فیلم «بهترین سال‌های زندگی ما» شخصیت «هومر» که در جنگ جهانی دوم مجروح شده، وقتی با غریبه‌ای در کافه هم‌صحبت می‌شود که نسبت به جنگ و آ‌ما‌ن آمریکایی ناامیدانه حرف می‌زند، با کمک دوستش حسایی از خجالش درمی‌آید. این مواجهه جایی به مبارزه تبدیل می‌شود که مرد غریبه شبهه وارد می‌کند که چرا برای حفظ جان آمریکایی‌ها با هیتلر هم‌پیمان شدیم و سیاست‌های جنگ را به چالش می‌کشد. تنش غیرتمندانه دو سرباز جنگ با غریبه دروغگو و متوهم تمام آن چیزی است که «ویلیام وایلر» کارگردان فقید آمریکایی در پس این صحنه می‌سازد و آن را با چپش

وابسته به صهیونیسم منتشر می‌شود، ممکن است در ابتدا جذاب و قابل قبول به نظر برسد، اما کمی تحقیق می‌توان فهمید که این اخبار غالباً بر مبنای واقعیت نیستند. برای مثال، تحلیل‌های غلط‌در باره وضعیت اقتصادی کشور یا ناآرامی‌های اجتماعی می‌تواند موجب بی‌اعتمادی مردم نسبت به نظام شود. بنابراین، وظیفه ماست که نسبت به این اخبار حساس باشیم و آن‌ها را با دقت بررسی کنیم. علاوه بر این، رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال با استفاده از تکنیک‌های روانشناختی سعی دارند تا احساسات منفی را در میان مردم تقویت کنند. آنها با بهره‌گیری از تصاویر احساسی، موسیقی تحریک‌آمیز و داستان‌های غم‌انگیز سعی در جلب توجه مخاطبان دارند. هدف اصلی آنها ایجاد یک تصویر منفی از کشورمان است تا بتوانند بر افکار عمومی تأثیر بگذارند. بنابراین، ما باید با آگاهی کامل نسبت به این روش‌ها مقابله کنیم. در نهایت، بیابید با هم، با هوشیاری و آگاهی، از رسانه‌هایی که به دنبال منافع ملی ما نیستند فاصله بگیریم. بیابید با انتخاب هوشمندانه منابع خبری خود، صدای واقعی ملت ایران را تقویت کنیم و اجازه ندهیم که دشمنان ما از طریق رسانه‌های خود بر وحدت و همبستگی ما تأثیر بگذارند. ما باید بدانیم که هر کدام از ما می‌توانیم در این زمینه نقش مؤثری ایفا کنیم. با اشتراک‌گذاری اطلاعات درست و معتبر در شبکه‌های اجتماعی و گفت‌وگو درباره واقعیت‌ها با دوستان و خانواده خود، می‌توانیم به افزایش آگاهی عمومی کمک کنیم. همچنین، باید به جوانان آموزش دهیم که چگونه منابع خبری را ارزیابی کنند و قادر باشند بین اخبار واقعی و شایعات تمایز قائل شوند. در نهایت، یادآوری می‌کنم که انتخاب ما می‌تواند تأثیر بسزایی در آینده کشورمان داشته باشد. پس بیابید با هم عزم خود را جزم کنیم و با بالا کردن رسانه‌های صهیونیستی مانند ایران اینترنشنال، صدای خود را بلند کنیم. ماملت‌نگری هستیم و شایسته‌بترین‌ها. اجازه ندهیم که دشمنان با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای خود، تفرقه و نفاق را در صفوف ما ایجاد کنند. بیابید با اتحاد و همبستگی، آینده‌ای روشن‌تر برای کشورمان بسازیم.

هم‌دست دشمن نباشیم!



فاطمه‌سادات کانی

خبرنگار

در روزهایی که کشور در معرض شدیدترین هجمه‌های رسانه‌ای، امنیتی و نظامی قرار دارد، وظیفه همگان، به‌ویژه فعالان رسانه‌ای، نخبگان فکری و کاربران فضای مجازی، ایجاب می‌کند که مرزهای خودی و غیر خودی را به‌روشنی بازشناسند. در این میان، شبکه م‌وسوم به «ایران اینترنشنال» که از بدو تأسیس تاکنون همواره در مسیر دشمنی با مردم ایران کام برداشته، امروز بیش از هر زمان دیگر چهره واقعی خود را به‌عنوان بازوی رسانه‌ای پروژه جنگ ترکیبی غرب و صهیونیسم جهانی نمایان ساخته است. ایران اینترنشنال نه یک رسانه مستقل، که پروژهای امنیتی – اطلاعاتی است که با بودجه‌های کلان پنهان و آشکار از سوی رژیم صهیونیستی و با همکاری عملیاتی اتاق فکرهای اسرائیلی و بریتانیایی اداره می‌شود. از اولین روزهایی که این شبکه در لندن آغاز به کار کرد، بسیاری از تحلیل‌گران مستقل هشدار دادند که این رسانه، نه برای آگاهی‌بخشی، بلکه برای انحراف افکار عمومی، تخریب هویت ملی، براندازی نرم و تضعیف بنیان‌های مشروعیت جمهوری اسلامی ایران طراحی شده‌است. اکنون در شرایطی که دشمن صهیونیستی رسماً مشغول حمله نظامی به ایران است و فضایی منطقه به شدت ملتهب شده، این شبکه با تمام توان به میدان آمده تا مکمل عملیات اطلاعاتی دشمن در جبهه رسانه‌ای باشد. از وارونه‌سازی واقعیت‌ها، بزرگ‌نمایی نارضایتی‌ها، دعوت از چهره‌های

این وظیفه ملی ماست که با هوشیاری در برابر تهدیدات رسانه‌ای بایستیم و اجازه ندهیم کسانی که قصد دارند امنیت و آرامش کشورمان را مختل کنند، موفق شوند. بیابید با هم برای آینده‌ای بهتر تلاش کنیم؛ آینده‌ای که در آن صدای ملت ایران شنیده شود و منافع ملی ما در اولویت قرار گیرد. با اتحاد و همدلی می‌توانیم بر چالش‌ها غلبه کنیم و یکدیگر را در مسیر پیشرفت یاری دهیم. بیابید همگی دست به دست هم دهیم تا صدای واحدی از ملت بزرگ ایران به گوش جهانیان برسد؛ صدایی که نشان‌دهنده اراده آهنین ما برای حفظ استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی باشد. به یاد داشته باشیم که تاریخ گواهی خواهد بود بر تلاش‌های ما برای حفظ هویت ملی‌مان. هر نسل باید مسئولیت خود را در برابر کشورش احساس کند و برای آینده‌ای بهتر تلاش کند. ما باید از تجربیات گذشته درس بگیریم تا بتوانیم راه درست را برای نسل‌های آینده هموار کنیم. در نهایت، باید تأکید کنم که ما نیازمند یک جنبش اجتماعی قوی هستیم که بتواند صدای ملت ایران را در برابر رسانه‌های معاند تقویت کند. این جنبش باید شامل همه اقشار جامعه باشد؛ از جوانان گرفته تا بزرگ‌تراها، از دانشجویان تا کارگران. همه باید دست به دست هم دهیم تا بتوانیم یک جبهه متحد علیه جنگ‌افروزی‌ها تشکیل دهیم. بیابید از فرصت‌ها بهره ببریم و با هم برای یکدیگر ارزش قائل شویم. بیابید یاد بگیریم که چگونه می‌توانیم از قدرت کلمات برای تغییر وضعیت موجود استفاده کنیم. بیابید برای حقیقت بجنگیم؛ حقیقتی که نه تنها برای خودمان بلکه برای آینده نسل‌های آینده نیز اهمیت دارد.

در پایان ای یادداشت، امیدوارم همگی ما بتوانیم با تعهد به اصول اخلاقی و انسانی خود، در برابر چالش‌ها ایستادگی کنیم و اجازه ندهیم دشمنانمان با استفاده از رسانه‌های فریبکارانه خود بر افکار عمومی تأثیر بگذارند. بیابید صدای واقعی ملت ایران را بلند کنیم؛ صدایی که مملو از عشق، امید و اتحاد باشد.

بدنام امنیتی و عناصر گروهک‌های تروریستی، تا ساختن روایت‌های دروغین از وضعیت اجتماعی ایران؛ هیچ‌کدام از این تاکتیک‌ها تصادفی یا صرفاً ژورنالیستی نیستند. این‌ها اجزای یک نقشه کلان برای تضعیف جبهه داخلی کشور، ایجاد چنددستگی و از هم‌گسیختگی در میان مردم است. نکته مهم و نگران‌کننده آن است که بخشی از جامعه، آگاهانه یا ناآگاهانه، به این شبکه ضدامنیتی مشروعیت رسانه‌ای می‌بخشد. برخی صرفاً برای پیگیری اخبار، برخی دیگر از روی کنجکاوی یا تفریح، این شبکه را دنبال می‌کنند. اما باید با صراحت گفت که هر کلیک، هر بازشر و هر دقیقه تماشا، به معنای پشتیبانی از یک ماشین جنگ روانی است که هدف نهایی‌اش چیزی جز فروپاشی ایران نیست. بایکوت «ایران اینترنشنال» در این شرایط یک وظیفه ملی است؛ وظیفه‌ای هم‌سنگ با دفاع از مرزهای کشور با امداد به مجروحان. همان‌طور که در دوران دفاع مقدس، مردم از گوش سپردن به صدای رادیوهای دشمن امتناع می‌کردند، امروز نیز باید در برابر این نوع شبکه‌های معاند، سکوت فعال و بی‌توجهی هوشمندانه پیشه کرد. در چنین فضایی، فعالان فرهنگی و رسانه‌ای، استادان دانشگاه، هنرمندان، ورزشکاران و کاربران تأثیرگذار فضای مجازی باید پیشگام باشند. ما باید به جهان نشان دهیم که ملت ایران، آگاهانه در برابر رسانه‌هایی که نان خود را در خون و دروغ می‌زند، ایستاده‌اند. مبارزه با جنگ نرم، از همین جا آغاز می‌شود: از بایکوت «ایران اینترنشنال».

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان